

روند رو به رشد قربانیان سوانح جاده ای

جاده های استان جمعه شب ۳ قربانی گرفت

اخبار

زورگیری دو نفر را راهی بیمارستان کرد

فردی که شبانه در حال قدم زدن در یکی از خیابان های فاروج بود ناگهان مورد حمله یک زورگیر متوهم قرار گرفت و بعد از مصدوم شدن از سوی فرد زورگیر روانه بیمارستان شد . به گزارش خبرنگار ما بعد از حمله زورگیر متوهم به یک عابر پیاده، فرد مصدوم به بیمارستان منتقل می شود و با اطلاع پدرش از موضوع او نیز دچار حمله قلبی می شود و روانه بیمارستان می شود.
خواهر فرد مصدوم مدعی شد برادرش به واسطه زورگیری فرد معتاد و متوهمی روانه بیمارستان شده است. وی به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: شبی برادرم در حال قدم زدن در خیابان بود که ناگهان مورد حمله یک زورگیر متوهم قرار گرفت و با درگیری که بین آنها رخ داد برادرم دچار آسیب دیدگی شد و برای مداوا او را به بیمارستان منتقل کردیم. وی ادامه داد: بعد از این اتفاق زمانی که پدرم متوجه موضوع زورگیری از برادرم شد دچار حمله قلبی شد و او هم روانه بیمارستان شد. وی افزود: بعد از شناسایی زورگیر معلوم شد که وی یکی از زندانیان سابقه دار بند باز بوده که اقدام به این کار کرده است و برای احقاق حق مان از وی شکایت کردیم تا قانون به جرایم وی رسیدگی کند.

مرد زنبوری

پیرمرد اهل یکی از روستاهای بجنورد که به مرد زنبوری معروف شده در یک اقدام نادر با رها کردن زنبور داخل لباس خود و حبس آنها به مدت طولانی به نوعی خودش را با نیش زنبورها در برابر انواع بیماری ها واکسینه می کند. به گزارش خبرنگار ما پیرمرد ۹۰ ساله روستایی هر ساله طی فصل تابستان به مدت ۳ روز مداوم زنبورها را داخل لباسش رها می کند تا با نیش زنبورها خودش را در برابر بیماری ها واکسینه کند. یکی از شاهدان و بستگان نزدیک مرد زنبوری مدعی شد: پیرمرد مذکور از سال های گذشته اقدام به این کار می کند و تاکنون به دکتر مراجعه نکرده است. وی ادامه داد: هر ساله با فرار رسیدن تابستان پیرمرد اقدام به گرفتن زنبورهای وحشی می کند و با بستن پاچه شلوار و آستین پیراهنش آنها را داخل لباسش رها می کند و به مدت چند ساعت به این کارش ادامه می دهد به گونه ای که با ادامه این کار و به واسطه نیش زنبورها آب زرد رنگی حاوی خون و زهر از بدن وی خارج می شود و همچنین تاول های بزرگی نیز در بدنش ایجاد می شود. به گفته شاهد ماجرا پیرمرد دلیل کارش را واکسینه کردن خودش در برابر انواع بیماری ها عنوان کرد.

قاب حادثه



واژگونی خودروی پراید در محور روستایی خرق به قوشخانه فاروج

حوادث ترافیکی جاده های استان جمعه شب ۳ قربانی گرفت. به گزارش خبرنگار ما در پی واژگونی یک کامیون در محور روستایی خرق به فاروج ۳ سرنشین این خودرو جان باختند . کارشناسان پلیس راه استان ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه را علت این حادثه اعلام کردند. ۲ قربانی این حادثه اهل تربت جام بودند. در دیگر حادثه جمعه شب در برخورد ۲ موتورسیکلت

صدیقی

دلهره در چشمانش موج می زند و تنش از شنیدن صدای قدم های پدرش به لرزه در می آید.

می گوید اعتیادش را از دوران جنینی به ارث برده و تا مدت ها آن را تحمل کرده است. پسری که نه رنگ مدرسه را دیده و نه کودکی کرده و نه مهر و محبتی از خانواده اش دیده است. کودک نحیف مدتی برای تامین مخارج مواد پدرش به اجبار چوپانی کرد تا با مزد آن تن معتاد پدرش را سرپا نگه دارد.

حالا بعد از مدت ها به دور از آزار و اذیت پدرش تحت حمایت یک نهاد دولتی قرار گرفته است و شب ها را به امید چشیدن دوباره آغوش مادرش صبح می کند و همچنان چشم به راه است.

پسر نوجوان که آرزوهای دور و درازی برای آینده اش دارد درباره زندگی سیلاب گرفته خود و خانواده اش تعریف می کند: پدرم و مادرم هر دو معتاد بودند.

پدرم اصلا اعصاب نداشت و با کوچکترین حرفی مادرم را کتک می زد و از خانه بیرون می کرد. بیشتر دعوای پدر و مادرم سر مصرف مواد بود و به خاطر مقداری شیشه به جان هم می افتادند. مادرم به خاطر این که معتاد بود من هم معتاد به دنیا آمدم و از بچگی به من مواد می دادند. زمانی که پدرم مواد و قرص هایش را دیر مصرف می کرد دیوانه وار من و مادرم را کتک می زد و بعضی از مواقع ما را داخل اتاق زندانی می کرد.

بالاخره با ادامه پر خاشگبری پدر خانواده و آزار و اذیت های فراوانی که

به زن نگون بخت تحمیل کرده بود همسرش طلاقش را از او می گیرد و با گرفتن حضانت کودک خردسالش به یک شهر دیگر پناه می برد و در آنجا به زندگی دودی و خفت بارش ادامه می دهد. کودک زجر کشیده از روزگار می گوید: زمانی که مادرم طلاق گرفت من و مادرم به یک شهر دیگر رفتیم و در آنجا مادرم در یک شرکت مشغول به کار شد و به زور شکم مان را سر می کردیم.

۱۲ سال بیشتر نداشتم که اعتیادم زیاد شده بود و سواد هم نداشتم، زمانی که مادرم سر کار می رفت تنها در خانه می ماندم و صبح تا شب را گرسنه و بی حال سر می کردم.

موادی برای کشیدن نداشتم و بی حال داخل کوچه کر می کردم تا مادرم از سر کار برگردد و مقداری مواد به من بدهد تا از درد و خماری نجات پیدا کنم.

کودک نحیف با ادامه این شرایط حالش بدتر می شود تا این که یکی از خیران محل او را به یک کمپ ترک اعتیاد می سپارد و هزینه اش را متقبل می شود تا دیگر اهالی کوچه شاهد زجر کشیدن های طفل معصوم نباشند. بالاخره کودک بعد از سپری کردن مدتی در کمپ از شر اهریمن خالمان سوز اعتیاد خلاص و پاک می شود.

بعد از ترک اعتیادش دوباره پای پدر سنگدلش به زندگی خاکستری شان باز می شود. پسر قدخم کرده زیر بار ناملایمات زندگی ادامه می دهد: زمانی که از مواد پاک شدم پدرم به سراغم آمد و به صورت پنهانی و به دور از چشم مادرم من را دوباره پیش خودش برد و روزهای تنهایی و زجر کشیدن و کتک خوردنم شروع شد. اوایل خیلی

بایکدیگر در محور فرعی سنخواست به زالی یکی از راکبان فوت کرد تا بر تعداد قربانیان استفاده از موتورسیکلت بدون کلاه ایمنی افزوده شود. هر چند پزشکی قانونی خراسان شمالی هنوز آمار قربانیان سوانح ترافیکی استان را اعلام نکرده است اما برآوردهای اولیه خبرنگار ما حاکی از آن است که طی ۴ ماه گذشته بیش از ۱۰۰ نفر در سوانح ترافیکی استان جان خود را از دست

دلم برای مادرم تنگ می شد و شب ها گریه می کردم و بهانه می گرفتم و پدرم هم اعصابش خرد می شد و من را کتک می زد تا بی سر و صدا بخوابم. پدرم در یک مرغداری کار می کرد و اعتیادش روز به روز زیاد می شد و به خاطر ترس از اخراج شدن از مرغداری مدتی اعتیادش را ترک کرد تا به نوعی آب ها از آسیاب بیفتد.

زمانی که کمی حال پدرم خوب شد دوباره ازدواج کرد و برای این که من مزاحم آنها نباشم من را به یک خانواده روستایی سپرد تا برای آنها چوپانی کنم و در قبال این کار از مرد روستایی مزد دریافت می کرد تا صرف مواد لعنتی اش کند.

دوباره وضعم بدتر از قبل شد و تنها و غریب تر از گذشته شدم و به خاطر غصه خوردن و دوری از مادرم مدتی مریض شدم اما پدرم حاضر نبود من را به خانه و پیش خودش برگرداند و از همان موقع از او تنفر پیدا کردم و هیچ وقت دلم نمی خواست او را ببینم. بعد از مدتی که حالم خوب شد روزها چوپانی می کردم و هر روز صبح تا شب در گرما و سرمای بیابان سر می کردم و شب ها نیز از شدت خستگی بی حال به خواب می رفتم.

بعضی از شب ها از شدت درد پاهایم نمی توانستم بخوابم و تا صبح ناله می کردم. صاحب کارم آدم خوبی بود و زیاد نمی گذاشت به من سخت بگذرد ، بعد از مدتی برایم یک گوشی تلفن همراه خرید تا بتوانم او را در زمان حوادث مطلع کنم. پدرم هر چند وقت یک بار به سراغ مرد روستایی می آمد و مزد کارم را از او می گرفت و بدون کوچکترین

زخم های بزرگ مرد کوچک



دولتی تحویل می دهند. پسرک مدتی به دور از هیاهو و آوارگی زندگی آرامی را تجربه می کند و زخم هایش التیام می یابند.

مدتی بعد از تحت حمایت قرار گرفتن پسرک تنها، زندگی اش تغییر می کند و با حمایت کارکنان و مشاوره های آن نهاد حمایتی دولتی کودک از نظر روحی و روانی سلامتی اش را به دست می آورد و الان مدتی است که شب ها بعد از مدتی در به دری آسوده می خوابد.

پسر نوجوان هنوز هم به گفته خودش دلهره دارد که مبادا دوباره پدرش به سراغش بیاید و او را با خودش ببرد و مثل گذشته دوباره کابوس هایش شروع شود.

او می گوید: اصلا پدرم را دوست ندارم چرا که خیلی من را اذیت می کرد و کتک می زد به خاطر همین حتی نمی خواهم لحظه ای او را ببینم. فقط منتظر مادرم هستم تا به سراغم بیاید و دوباره پیش او بروم و در پناه او قرار بگیرم.

توجهی و نگاهی به من ما را ترک می کرد. پدرم روزی که دوباره برای گرفتن مزد چوپانی ام به روستا آمده بود زمانی که گوشی تلفن همراه را در دستم دید با زور و کتک از دستم گرفت و خرج موادش کرد.

چوپانی کردن من ۲ سالی طول کشید و در این مدت خیلی عذاب کشیدم و خیلی بالاها سرم آمد. وقتی دیدم دیگر نمی توانم به کار چوپانی ادامه بدهم. روزی به دور از چشم صاحب کارم گله گوسفندها را رها و از آن جا فرار کردم. زمانی که به شهر رسیدم سوار یک ماشین شدم تا پیش مادرم برگردم اما راننده فهمید که من از خانه فرار کرده ام.

راننده زمانی که می بیند کودک زخم خورده از اعتیاد خانواده و ناملایمات روزگار هراسان آواره کوچه و خیابان شده است او را به پلیس تحویل می دهد و آن ها نیز بعد از تحقیقات کامل پسر بی کس و غم زده را به یک نهاد حمایتی

Ashkan Battery

باتری اشکان

مدیریت: رستمی
«نائب رئیس اتحادیه»

نماینده رسمی باتری های ایرانی و خارجی

در خراسان شمالی

بزرگترین مرکز فروش باتری های سبک و سنگین در خراسان شمالی

مجهزترین دستگاه تست باتری اتومبیل در خراسان شمالی

مرکزپخش وخدمات پس ازفروش باتری های ایرانی وخارجی درخراسان شمالی

دفتر مرکزی: شیروان / میدان قدس / روبروی تامین اجتماعی / جنب نانوايي
شماره تماس: ۰۹۱۵۳۸۶۲۵۶۶-۰۹۱۵۱۸۸۷۱۶۷
شعبه فاروج: خ:امام رضا(ع) / نبش امام رضا (ع) ۳
شعبه بجنورد: ۳۲ متری / چهارراه شهدا / نبش خ. استقلال

تلفکس: ۰۵۸-۳۶۲۲۵۵۵۷

شیر آلات بهداشتی ساختمان

سهند

اصلتی بی مانند

هم استانی عزیز

از جنابعالی دعوت به عمل می آید تا با حضور در یازدهمین

نمایشگاه تخصصی صنعت و ساختمان واقع در محل نمایشگاه های

بین المللی خراسان شمالی ، جاده ارکان ، سالن شماره یک ، غرفه

شرکت شیر آلات بهداشتی سهند از جدیدترین محصولات ما بازدید

نمائید و از تخفیفات ویژه نمایشگاهی بهره مند شوید .

زمان بازدید: ۹ الی ۱۳ مرداد ۱۳۹۶ از ساعت ۱۶ لغایت ۲۲

نمایندگی انحصاری خراسان شمالی

... کاظم زاده ...

www.sahandtaps.com

آدرس: بجنوره-خیابان ۱۷ شهريور جنوبی - مقابل درب پارکینگ اداره پست(کاشی عقیق)

شماره های تماس: ۰۹۱۵۳۸۶۲۵۶۶-۰۵۸-۳۲۲۶۳۲۳۹-۳۲۲۶۱۴۳۶۵